حکم حج با مال حرام در آینه فقه و روایات از منظر فریقین

سید محمدتقی موسوی[1]
محمدعلی نجیبی[2]

چکیده

مسئله حج با مال حرام از مسائل مهم فقهی و روایی فریقین است که از گذشته تا به عصر حاضر، میان فقهای اسلام محل بحث و بررسی قرارگرفته است. در میان فقهای اهل‌سنّت سه نظریه درباره حج با مال حرام وجود دارد: مالک، واحمد بن حنبل عقیده‌شان بر این است که حج با مال حرام مجزی از حجة‌الاسلام نیست اما نظریه جمهور علمای اهل‌سنّت و حنفی و شافعی بر این است که حج با مال حرام مجزی است، درصورتی‌که تا زمان انجام حج و عمره از حرمت مال خبر نداشته باشد و عالم به حکم حرمت نباشد نظر دیگر این است که حج با مال حرام مجزی است، ولی قبول نیست برخی دیگر از فقهای اهل‌سنّت حج با مال ربا و خمر و منفعت حاصل از فروش مواد مخدر راجایز نمی‌داند حج با مال غصبی راجایز می‌داند، اما می‌گویند با این کار گناه کرده است.

علمای امامیه حج بامال حرام را جایز نمی‌دانند، ولی می‌گویند این حج مبطل

۱. دانش‌آموخته سطح چهار جامعة المصطفی ﷺ العالمیه (نویسنده مسئول)، m.t.musavi53@gmail.com.
۲. فارغ التحصیل سطح چهار جامعة المصطفی ﷺ العالمیه، alimnajibi@yahoo.com.

نیست، درصورتی‌که لباس احرام طواف وسعی وثمن قربانی از مال حلال باشد عده می‌گویند که اگر لباس را با ثمن کلی در ذمه خریده باشد وبعد از حج با مال حلال ادا نماید حجش صحیح است. حج با مال مشتبه صحیح است، درصورتی‌که علم به حرام بودنش نداشته باشد درباره حج با مال غیرمخمس ومزکی وحقوق واجب دیگر که بر ذمه حاجی هست جایز نیست؛ باید آنها را ادا نماید؛ بلی، اگر به حج رفت و حقوق در ذمه بود وبعد ازحج با مال حلال پرداخت نماید، حجش صحیح است.

طرح مسئله

حج یکی از اعمال مهم عبادی وسیاسی جهان اسلام به شمارمی‌رورد مثل بقیه اعمال مقدمات، اجزا وارکان، دار که باید صحیح انجام شود اگر مسلمان که حج براو واجب شده برخی اعمال حج را درست انجام ندهد یا دربرخی از شرایط یا اجزا خلل وارد کند حجش ناقص می‌شود حال این سؤال پیش می‌آید که اگر شخص با مال حرام وغصبی یا مشتبه به حج رفت، آیا حجش باطل است یا نه؟ این طرح پژوهشی در پی تحقیق و بررسی و پاسخ به آن با تکیه بردیدگاه وتطبیق انظار فریقین برآمده است.

دانشمندان فقهی وروایی فریقین درمورد حکم حج با مال حرام دراکثرازفتاوا و کتب فقهی تصریح نموده وبه بسیاری ازسؤالات دراین مورد پاسخ داده‌اند. ازآنجاکه دردنیا معاصرشغل‌های حرام زیاد شده، مردم به‌ناچاربرای تأمین زندگی‌شان به آن مشغول می‌شوند وازآن کسب درآمد می‌کنند ودرنتیجه با درآمد حاصل ازآن بسیاری ازکارهای عبادی واعمالشان را انجام می‌دهندکه این خود یک معضل بزرگ در جامعه اسلامی ایجاد نموده است؛ ازجمله کسب درآمد حاصل ازسود بانکی ومنافع به‌وجود آمده ازفروش مواد مخدرپول حاصل ازبیع خمر، فروش فیلم‌های مستهجن و بسیاری ازکسب‌های حرام دیگرکه مردم به خاطر آن به فقها مراجعه می‌کنند. برای آن حیله شرعی می‌یابند. دراین میان این پژوهش به بررسی حج با مال حرام ومشتبه و

غصبی از دیدگاه فریقین پرداخته و دلایلی از قرآن کریم و احادیث رسیده از رسول خدا ﷺ و ائمه معصومین علیهم‌السلام برای آن ذکر نموده است. در مرحله نخست دیدگاه فقهای اهل‌سنّت را نقد می‌کند و در مرحله بعد آرا و انظار دانشمندان امامیه را بررسی می‌کند و در نهایت این دو دیدگاه را با هم تطبیق داده و موارد اتفاق و اختلاف را ذکر می‌کند.

۱. مفهوم‌شناسی

الف) حج در لغت

۱. معنای واژه عربیِ «حج» حَجَّ یا حِجَّ است؛ به معنای دلیل و برهان آوردن و امری مهم را قصد کردن ذکر شده است.

۲. حج در لغت به معنای قصد نمودن به سوی یک چیز عظیم و بزرگ را گویند و بنابر مذهب اهل‌بیت حج در لغت به معنای قصد می‌باشد مطلقا (جزیری، الفقه علی المذاهب الأربعة و مذهب أهل البیت علیهم‌السلام ۱۴۱۹، ۱/ ۸۱۳).

ب) حج در اصطلاح شرع

۱. مراد از حج در متون و منابع اسلامی، از جمله منابع فقهی، عازم شدن به سمت بیت الله الحرام به منظور به‌جا آوردن اعمال و عباداتی ویژه در زمانی خاص است. به تعبیر برخی فقها، اصطلاح فقهیِ حج بر مجموعه اعمالی دلالت دارد که در مکان‌هایی خاص در مکه انجام می‌شوند (ابن‌ادریس حلّی، السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی، ۱۴۱۱، ۱ /۵۰۶ و محقق حلّی، شرائع الاسلام في مسائل الحلال و الحرام، ۱۴۰۹، ۱/ ۱۶۳ و محقق کرکی، رسائل المحقق الکرکی، ۱۴۱۲، ۲/ ۱۴۹/۱۵۰).

۲. حج از نگاه مفهوم‌شناسان به معنای قصد می‌باشد و در اصطلاح شرع اسم است برای مجموعه‌ای از مناسک که باید انجام شود در مشاعر مخصوصه، و این حج واجب می‌شود بر کسی که جمیع شرایط برایش مهیا شود و آن افراد عبارت است از

مردان وزنان وخنثا وفقط یک باربا اصل شرع بر انسان واجب می‌شود (خوانساری، جامع المدارک في شرح مختصر النافع ۱۴۰۵، ۲ / ۲۵۴).

ج) مال درلغت

«مال» درلغت به معنای آن چیزی است که انسان مالک آن می‌شود ازجمیع اشیاء، جمع مال براموال بسته می‌شود «و أکثر ما یطلق المال عند العرب علی الإبل، لأنها کانت أکثر أموالهم» (ابن‌منظور، لسان العرب، بی‌تا، ۱۱ / ۶۳۶). ابن‌اثیر بیشتر توضیح داده و می‌گوید: مال دراصل آن چیزی است که انسان مالک آن می‌شود؛ مانند طلا و نقره. وبر شیئی که می‌توان ازآن نگهداری کرد مال اطلاق می‌شود؛ مانند اعیان (همان).

د) مال دراصطلاح فقها

ابن‌نجیم بصری گفته، مال درعرف ما متبادر است ازنقد وعروض. ابن‌عابدین برای مال تعریفی دیگری نموده و می‌گوید: «المراد بالمال ما یمیل إلیه الطبع و یمکن ادخاره لوقت الحاجة. و المالیة تثبت بتمول کافة الناس». مقصود ازمال آن چیزی است که میل پیدا می‌کند طبیعت به سوی آن ممکن برخی آن را ذخیره کنند هروقت احتیاج بدان پیدا کرد آن را مصرف نمایند (ابن‌عابدین، رد المختارعلی الدرالمختار، بی‌تا، ۳/۲)

فقهای مسلمین برای مال تعاریف متعددی آورده‌اند:

۱. مال آن عمل متداول است که بیع وشراء صورت می‌گیرد: «سواء أ کانت هذه العملة معدنیة أم ورقیة».

۲. بعضی دیگر گفته‌اند که لفظ مال منظور نقود است. این تعریف بانظریه فقها مباینت دارد وتقسیم کردند به نقد وجنس (ابن‌قدامه، المغنی، بی‌تا، ۲۹/۲).

هـ) معنای لغوی حرام

فیروزآبادی درکتاب *القاموس المحیط* می‌نویسد: ح رم به کسره (الحرم) به معنی

حرام است و جمع آن حرم می‌باشد؛ حرم علیه: آنچه حلال نیست. (فیروزآبادی، القاموس المحیط، بی‌تا، ۹۸۵) و قد حرم علیه الشیء: درلغت به معنی حرام است. ابن‌فارس می‌نویسد: حرم ریشه واحدی دارد وآن منع وتشدید است. پس حرام ضد حلال است (ابن‌منظور، لسان العرب، ۱۴۱۴، ۱۲/ ۱۱).

و) معنای اصطلاحی حرام

برطبق گفتار ارزشمند رسول گرامی اسلام ﷺ حرام آن چیزی است که خداوند حرام کرده است: «الحرام ما حرّم الله في كتابه» وحرام را غیرلذیذ می‌دانند، زیرا شرع ازآن نهی می‌کند. حرام به معنی ممنوع است. وقتی می‌گویند فلان کار حرام است، معنایش این است که ارتکاب آن ممنوع است (طباطبائی، المیزان، بی‌تا، ۱ /۶۳۱).

۲. دیدگاه مذاهب اهل‌سنّت درباره حج با مال حرام

فقهای اهل‌سنّت درباره حکم حج با مال حرام ازخود دیدگاه متفاوت ارائه نموده‌اند برای اثبات آن به آیات قران کریم واحادیث رسیده از رسول گرامی اسلام تمسک جسته‌اند وهمچنین به روایاتی که انجام حج با مال حرام وشبهه‌دار را منع می‌کند استدلال نموده‌اند.

۱. «إن الله طيب لا يقبل إلا طيباً» (ابن‌ابی‌جمهوراحسائی، عوالی اللآلی، ۱۴۰۵، ۱۳۲/۱) خداوند پاک است وفقط عمل پاک را قبول می‌کند.

۲. «وإن الله أمر المؤمنين بما أمر به المرسلين، فقال: ﴿يَا أَيُّهَا الرُّسُلُ كُلُوا مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَاعْمَلُوا صَالِحًا إِنِّي بِمَا تَعْمَلُونَ عَلِيمٌ﴾ (مؤمنون، آیه۵۱) خدا مؤمنین را به اعمال رفتاری امر نموده که مرسلین را به آن امرنموده است.

۳. حدیث دیگری که در مورد نهی از حج با مال حرام است، حدیث ابی‌هریره از رسول خدا است که فرمود: «من أمَّ هذا البيت من الكسب الحرام شخص في غير طاعة

الله، فإذا أهلَّ ووضع رجله في الغرز أوالركاب وانبعثت به راحلته قال: لبيك اللهم لبيك؛ ناداه منادٍ من السماء: لا لبيك ولا سعديك، كسبك حرام، وزادك حرام، وراحلتك حرام، فارجع مأزوراً غير مأجور، وأبشر بما يسوءك؛ وإذا خرج الرجل حاجاً بمال حلال، ووضع رجله في الركاب، وانبعثت به راحلته، قال: لبيك اللهم لبيك؛ ناداه منادٍ من السماء: لبيك وسعديك، قد أجبتك، راحلتك حلال، وثيابك حلال، وزادك حلال، فارجع مأجوراً غير مأزور، وأبشر بما يسرك». حاجی بداند که حج متاع گرانبهایی است وحج مبرور پادش جز بهشت ندارد وحج مبرور فقط با مال حلال به‌دست میاد؛ در نتیجه اگر مسلمان بخواهد حجش مبرور وسعیش مشکور وگناهانش مغفور باشد و عملش مقبول باشد، باید با مال حلال به حج برود وازمال حرام ومشتبه پرهیز نماید (عبدالله عفانی، الریاض النضره في فضائل الحج والعمره، ۱۴۱۸، ۷۰۷/۱).

این حدیث مهم‌ترین روایتی است که به‌عنوان ادله قرارگرفته وبه آن علمای فریقین استدلال نموده‌اند درمیان اهل‌سنّت سه دیدگاه وجود دارد درباره حج با مال حرام:

۱. مالک واحمد بن حنبل عقیده‌شان براین است که حج با مال حرام مجزی از حجة‌الاسلام نیست.

۲. نظریه جمهور علمای اهل‌سنّت وحنفی وشافعی وبرخی دیگر ازمالکیه براین است که حج با مال حرام مجزی است، درصورتی‌که شرایط ذیل را دارا باشد.

۲/۱. تا زمان انجام حج وعمره از حرمت مال خبر نداشته باشد.

۲/۲. یا عالم به حکم حرمت نباشد وبعد از انجام حج متوجه حرمت شود.

۳. حج با مال حرام مجزی است، ولی قبول نیست این هم مثل مذهب قول اول است وقتی عمل که قبول نباشد، مجزی بودن فایده ندارد.

الف) دیدگاه موسوعه فقه اسلامی

درکتاب *موسوعه فقه اسلامی* شرایط وارکان واعمال را بیان می‌نماید ودر ضمن اشاره

به حرام بودن حج با مال حرام می‌کند و می‌نویسد: «إذا حج المسلم بمال حرام، أو على دابة أو سيارة مغصوبة، فهو آثم ومستحق للعقوبة، لكن حجه صحيح ومجزئ؛ لأن أفعال الحج مخصوصة، والتحريم لمعنى خارج عنها، كما لو صلى في ثوب مغصوب، أو صلى في مكان مغصوب، فالصلاة صحيحة، لكنه آثم» (موسوعة الفقه الإسلام، بی‌تا، ۳/ ۲۸۸)

دراین دیدگاه حج را صحیح مجزی از حجة‌الاسلام می‌داند درنهایت حاجی را گناهکار می‌شمارد؛ مانند نماز درخانه غصبی یا لباس غصبی.

بررسی بحث

مطلب حائز اهمیت که *موسوعه* مشاهده می‌شود این است که حرمت مال را مخصوص افعال حج نمی‌داند. نکته دوم که در آن جود دارد اگر حاجی حج انجام دهد با مال حرام حج را مجزی می‌داند؛ یعنی درحقیقت شخص که با مال حرام حج انجام داده حجش صحیح، اما گناهکار است. نکته جالب‌تر این‌که نماز با لباس غصبی را هم صحیح می‌داند.

ب) حج با مال ربای بانکی

یکی از راه‌های درآمد کسب رِبای بانکی وکار در بانک‌های غیراسلامی است. دراین مورد شخص از برخی ازفقهای اهل‌سنّت سؤال نموده که درمدت زمان طولانی در یکی از بانک‌های غیراسلامی مشغول به کار بودم واز طریق درآمدی که داشتم من خانواده‌ام به حج رفتیم وحالا از آن کاربیرون آمدم شغلی و حرفه حلال پیشه نمودم آیا این حج ما صحیح است یا نه؟ باید دوباره با مال حلال به حج برویم؟

درپاسخ این سؤال فقه مزبور چنیین بیان نموده: «إذا كان السائل قد عمل في البنك الربوي لأنه لم يجد عملا آخر يتعيش منه، واضطر للعمل فيه، فإن الضرورات تبيح المحظورات، والحاجة تنزل منزلة الضرورة، وبهذا يكون عمله في البنك مباحا له لظروفه

الخاصة، وكذلك إذا عمل في البنك بناء على فتوى من عالم ثقة في علمه ودينه بجواز عمله في البنك الربوي مرحليا ليكتسب منه الخبرة، ثم يوظفها بعد ذلك في خدمة المصارف الإسلامية.

وعلى كل حال، من باب الاحتياط، أنا أقترح على الأخ أن يحج مرة أخرى بنفقة طيبة تماما لأن من روط الحج المبرور أن تكون النفقة طيبة لا شبهة فيها، وربنا يتقبل منه إن شاء الله».

نکاتی که از این پاسخ برداشت می‌شود به قرار ذیل است:

۱. چون سائل مضطر بوده، برای کسب معاش کار غیر از این‌که در بانک ربوی کار کند کار نداشته و چون «الضرورات تبيح المحظورات، والحاجة تنزل منزلة الضرورة» و کاری که در این بانک انجام داد کار مباح است.

۲. همچنین در این بانک مشغول به کار شده به فتوای مجتهد که کار در چنین بانک‌هایی را جایز می‌داند تا این‌که کسب مهارت کند و بعد بیاید برای مسلمین خدمت کند (درنتیجه حجش صحیح است).

اما این فقیه از باب احتیاط می‌نویسد: این شخص حج را با مال حلال انجام دهد، چون از شروط حج مبرور این است که حج با مال پاک و بدون شبهه انجام شود «ولا شك أن المال من بنك ربوي فيه شبهات، فلكي يطمئن الأخ تماما على قبول حجته، يحسن أن يتيح لنفسه الفرصة بأن يحج للمرة الثانية بمال حلال». شک و شبهه نیست در این‌که مال از بانک ربوی در آن مال شبهه زیاد وجود دارد. پس برای این‌که اطمنان پیدا کند این برادر عزیز و تماماً بر قبول حج خودش، خوب است برای بار دوم به حج رفته و با مال حلال آن را انجام دهد (مكتبة القرضاوي في وجوب الحج وشروطه وأركانه (سایت شیخ یوسف قرضاوی). درنتیجه این فقیه از علمای معاصر اهل‌سنّت راضی نیست که مقلدینش با مال حرام به حج رود.

ج) حج با مال حرام صحیح است، اما مقبول نیست

یکی دیگر ازعلما اهل‌سنّت درباره حکم فریضه حج با مال هبه ومال قرض ومال مسروق می‌نویسد: «الحج الفرض بمال حرام أو مسروق یسقط به الفرض ولکنه غیر مقبول، ولا تنافی بین سقوط الفرض به وعدم قبوله لأنه لا یلزم من الصحة القبول، کما فی الصائم الذی یغتاب الناس فإنه یسقط عنه فرض الصوم لأدائه بأرکانه وشروطه ولکنه لا یقبل منه ولا یثاب علیه». از دیدگاه این مفتی معلوم می‌شود کسی که حج انجام می‌دهد با مال حرام صحیح است، اما این حج درنزد خداوند مقبول نیست. منظور از صحت این است که اگر حاجی با این مال حرام مستطیع شده باشد، این حج با مال حرام ازحجة‌الاسلام کفایت می‌کند.

بررسی این نظریه

نکات مهمی که دراین نظریه وجود دارد این است که حج مرکب است از قدرت مالی وبدنی و باید مال حلال برای آن تهیه نمود. آیات وروایات مؤید این مطلب است. این نویسنده نفقه را شرط در صحت حج ندانسته بلکه شرط وجوب حج دانسته وگفته که حاجیانی که درنزدیک مکه هستند و حج انجام می‌دهند وهیچ هزینه هم خرج نمی‌کنند، ولی هیچ فقیهی نگفته که حج آنها فاسد است. درنهایت این نویسنده روایات را که دیگر علما اهل‌سنّت به آن استدلال نموده‌اند مردود دانسته است.

د) حج با فروش مال مواد مخدر

درکتاب *اللجنته الدائمه*، مطالبی درباره حج سؤال کردند که حکم حج با مال حرام چیست؛ یعنی سود ومنفعتی که از فروش مواد مخدربه‌دست آمده ودرحالی‌که می‌دانیم این مال ازتجارت مخدرات حاصل شده، آیا این حج مقبول است؟

نویسنده در پاسخ، این سؤال گفته است: «کون الحج من مال حرام لا یمنع من

صحة الحج، مع الإثم بالنسبة لكسب الحرام، وأنه ينقص أجر الحج، ولا يبطله» (عبدالله بن غديان اللجنة الدائمة للبحوث العلمية والإفتاء عضوبی تا، ۱۱/ ۳۰).

حج با مال حرام مانع از صحت حج نیست با این‌که نسبت به کسب حرام گناه کرده درنهایت اجر و پاداش از طرف خداوند به آن داده نمی‌شود، ولی حجش باطل نیست.

هـ) دیدگاه ابن‌حنبل

احمد حنبل بر این عقده است که انجام دادن حج با مال حرام از حجة‌الاسلام مجزی نیست، چون سببش غیرمشروع است. ابن‌فرحون روایتی را از مالک نقل نموده به مجزی نبودن حج با مال حرام از حجة‌الاسلام مانند نظریه امام احمد.

در *مناسک* ابن‌معلی آمده است که علما واجب نموده برکسی که اراده کرد به حج برود نفقه‌اش از حلال باشد و شبهه در نفقه حج نباشد. دلایل برای حلال بودن مال بیان نموده که آیات قران کریم است و می‌فرماید: ﴿وَتَزَوَّدُوا﴾ (بقره، آیه ۱۹۷) ﴿إِنَّمَا يَتَقَبَّلُ اللَّهُ مِنَ الْمُتَّقِينَ﴾ (مائده، آیه ۲۷) ﴿وَلَا تَيَمَّمُوا الْخَبِيثَ مِنْهُ تُنْفِقُونَ﴾ و حدیث رسول گرامی اسلام دراین‌باره وارد شده است: «إن الله تعالى طيب لا يقبل إلا الطيب» (احمد، مسند احمد، بی‌تا، ۲/ ۳۲۸).

ابن‌حنبل حج با مال حرام را مجزی از حج واجب نمی‌داند و می‌گوید حج باطل است. تنها دیدگاهی که حج با مال حرام را مجزی نمی‌داند از جحته الاسلام نظریه احمد ابن‌حنبل است.

۳. حج با مال حرام از دیدگاه فقهای امامیه

فقهای امامیه برای حرمت حج با مال حرام به دلایل مهم و متقن روایی تمسک جسته‌اند که دراین پژوهش مورد بررسی قرار گرفته است. درمرحله نخست نگاهی دارد به اقوال علما درمرحله بعد ادله را که به آن تمسک نموده‌اند مورد واکاوی قرار

داده درادامه به مال حرام که از چه راه‌های به‌دست آمده نگاهی داشته است و در نهایت تطبیق نظریه دو مذهب و آرای مورد اتفاق و اختلاف مذاهب مورد بررسی قرار گرفته است.

۱. صاحب *عروه* حج با مال حرام را جایز نمی‌داند و می‌نویسد: «لکن لا یبطل الحج إذا کان لباس إحرامه و طوافه و ثمن هدیه من حلال». درصورتی حج باطل نیست که لباس احرام وطواف وقیمت قربانی از مال حلال باشد (یزدی، عروة الوثقی بی‌تا: ۲ /۵۳۳) همچنین آیت‌الله گلپایگانی رحمه‌الله در *حاشیه عروه الوثقی* می‌نویسد: ملاک در عدم اجزای قربانی غصب بودنش می‌باشد بعید نیست که بگوییم حج باطل است. همچنین اگر محل وقوف حاجی درموقوفین غصبی باشد فرق نمی‌کند که آن مال غصبی وسیله نقلیه باشد یا بساط باشد که برآن توقف نموده یا نعال درسعی باشد (یعنی اگر این‌ها ازمال حرام باشد حج باطل است) (همان: ۴ /۵۹۶).

۲. دیدگاه میرزا محمدتقی آملی رحمه‌الله

ایشان برای جایز نبودن حج با مال حرام سه نظریه را بیان می‌کند.

الف) اولین حدیث که مورد استدلال قرار می‌دهد مرسله فقیه است که از ائمه علیهم‌السلام روایت شده: «انهم قالوا من حج بمال حرام نودي عند التلبية لا لبيك عبدي ولا سعديک» (ابن‌بابویه، من لا یحضره الفقیه، ۱۴۱۳، ۲ / ۳۱۷) ودرکتاب *عقاب الاعمال* از رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله می‌باشد که آن حضرت فرموده «و من اکتسب مالا حراما لم یقبل الله منه صدقة و لا عتقا و لا حجا و لا اعتمارا». (قمی، ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، ۱۴۰۶، ص۲۸۳). این احادیث دلالت می‌کند براین‌که حج با مال حرام جایز نیست.

ب) این نظریه دربیان عدم بطلان حج است، درصورتی‌که مالی را در راه حج مصرف می‌کند لباس احرام وطواف ونماز طواف وسعی وثمن قربانی ازمال حلال باشد واین باطل نبودن عمل حج هنگام اتفاق میفتد که این مال را در مقدمات حج

مصرف کند نه در مناسک حج مثلاً از میقات برود به مکه یا از مکه به عرفات برود و از عرفات به مشعر چون عمل حج خود این اعمال است نه رفتن به این اعمال؛ درنتیجه حج صحیح است.

ج) اگر لباس طواف و دو رکعت طواف و احرام و لباس سعی و پول قربانی از حرام باشد و یا پول قربانی و پول لباس طواف از غصب باشد، در این صورت حرام بودن حج واضح است (آملی، مصباح الهدی في شرح العروة الوثقی، ۱۳۸۰، ۳۰۱/۱۲).

۳. بررسی دیدگاه برخی فقها معاصر

یکی از فقهای معاصر که درباره حج با مال حرام دیدگاه روشن ارائه نموده حضرت آیت‌الله شیخ جعفر سبحانی است. ایشان در توضیح مسئله ۷۰ کتاب *عروة الوثقی*، چهار فرع بیان می‌کند و چنین پاسخ می‌دهد:

الف) می‌نویسد: حج بر عهده شخصی استقرار پیدا کرده باید این شخص که حج بر عهده او مستقر شده، حقوق واجب که ذمه‌اش مشغول به آن است بپردازد، بعد به حج برود.

در پاسخ می‌نویسد: علت وجوب تقدم أداء الحقوق، به‌خاطر این است [که] وجوب حج مشروط بعدم مانع شرعی است. این موضوع از قبیل متزاحمین است؛ یعنی هم حج استقرار پیدا کرده و هم ذمه حاجی مشغول به حقوق مردم است. در اینجا دو ملاک در تزاحم است که پرداخت حقوق مردم ملاکش قوی‌تر است باید پرداخت شود.

ب) حاجی حقوق مردم در ذمه‌اش می‌باشد، با این‌که می‌داند مدیون هست به حج می‌رود.

از ظاهر عبارت صاحب *عروه* این‌گونه برداشت می‌شود که اگر حقوق مردم را به تأخیر اندازد، و به حج برود، گناه کرده، به واسطه رفتن به حج؛ ولی دیدگاه آیت‌الله سبحانی این است که گناهش به‌خاطر تأخیر ادای حق الناس است، نه به جهت رفتن

به حج علتش آن است که امر به شیء که اداء حقوق باشد اقتضای نهی از ضد را ندارد که رفتن به حج باشد (سبحانی، الحج في الشريعة الإسلامية الغراء، بی‌تا، ۱ / ۳۳۱).

ج) حقوق مردم به ذمه دارد؛ یعنی مدیون است و به حج می‌رود و حج را تمام می‌کند، لیکن برای مصرف مئونه حج از مال مخمس و مزکی استفاده می‌نماید.

در پاسخ از این فرع می‌نویسند: زمانی که لباس احرام را از پول غیرمخمس، یعنی مال که خمسش را پرداخت نکرده بخرد، لایبطل احرامه علتش آن است که احرام یک امر قائم به قلب است و پوشیدن لباس احرام، واجب، دیگری است؛ لذا یتحقّق الإحرام عاریا.

د) حقوق مردم اگر در عین مالش باشد و به حج برود، و از همین مال که حقوق مردم به آن تعلق دارد در سفر حج مصرف نماید، اما لباس احرام و لباس طواف و ثمن قربانی از مال حقوق مردم نباشد، حجش صحیح است.

در پاسخ به این فرع می‌نویسد: بله، در سعی اگر لباسش از حرام باشد، سعی باطل است؛ اگرچه لباس در سعی معتبر نیست، اما از آن جهت که سعی یک امر است که باید قربتاً الی الله انجام گیرد، در این صورت متحد است با تصرف مال حرام. واضح‌تر از این لباس طواف است که واجب است در طواف بدن حاجی مستور باشد؛ مانند نماز که اگر طواف با لباس غصبی انجام بگیرد، مانند این است که نماز را با لباس غصبی انجام داده است؛ پس طوافش باطل است.

اما باطل بودن حج در ثمن قربانی در این مورد فرق گذاشته‌اند، به خریدن قربانی را با مال غصبی و خریدن آن قربانی را با ذمه بعد ثمن قربانی را مال مغصوب بدهد؛ اگر صحیح باشد، این فرق [را] باید بین لباس طواف و سعی تفصیل بدهیم (سبحانی، همان).

۴. دیدگاه حضرت امام خمینی رحمه‌الله‌علیه

یکی از مسائلی که در آن بحث از حج با مال حرام مطرح گردیده مسئله ۴۱ از کتاب

تحریر الوسیله امام خمینی رحمه‌الله می‌باشد. امام دراین مسئله می‌نویسد: وقتی که استطاعت پیدا شد، واجب نیست از مال خودش حج نماید. پس اگر با سختی یا از مال دیگری و لو این‌که غصبی باشد حج کند، صحیح است و برایش کافی است؛ البته احتیاط آن است که نماز طواف با لباس غصبی صحیح نباشد، و اگر لباس را به ذمّه خریده باشد و یا قربانی را این‌گونه (در ذمّه) بخرد؛ چنانچه بنا داشته باشد که از مال غصبی بپردازد، مورد اشکال است، وگرنه صحت آن بدون اشکال است، و در باطل شدن حج با غصبی بودن لباس احرام و سعی اشکال است و احتیاط (واجب) آن است که اجتناب شود (خمینی، تحریر الوسیلة، ترجمه، بی‌تا، ۱۳۵/۲).

روایات دال بر فساد حج با مال حرام

روایات مهم در کتاب *وسائل* است **دالّ بر فساد حج با مال حرام** است که می‌گوید: حج فاسد است و دو روایت از این روایات هم سند صحیح دارد: این روایات را کتاب *وسائل* شیخ حر عاملی ذکر نموده است:

۱. «وَ فِي الْخِصَالِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى. عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي عُمَيْرٍ وَ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي نَصْرٍ الْبَزَنْطِيِّ عَنْ أَبَانِ بْنِ عُثْمَانَ الْأَحْمَرِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ علیه‌السلام قَالَ أَرْبَعٌ لَا يَجُزْنَ فِي أَرْبَعٍ الْخِيَانَةُ وَ الْغُلُولُ وَ السَّرِقَةُ وَ الرِّبَا لَا يَجُزْنَ فِي حَجٍّ وَ لَا عُمْرَةٍ وَ لَا جِهَادٍ وَ لَا صَدَقَةٍ» (عاملی، وسائل الشیعه، ۱۴۰۹، ۱۴۵/۱۱).

بررسی سند روایت

ابان بن عثمان به نقل کشی از اصحاب اجماع است. ولی برخی او را از ناؤُوسیه و دارای فساد مذهب می‌دانند. ناؤُوسیه بر امام صادق علیه‌السلام توقف کردند و او را امام قائم می‌دانستند.

دو وجه برای تسمیه آنها گفته شده: رهبر آنها شخصی به نام ناؤوس بوده است. قول دیگر این‌که ناؤوس قریه‌ای نزدیک بغداد بوده و محل آنها این مکان بوده است.

فخرالمحققین به نقل از پدرش گفته که علامه به روایات او عمل نمی‌کرده لفساد مذهبه. اگر این طور باشد، روایات خیلی‌ها را باید کنار گذاشت؛ مانند روایات بنی‌فضال که همگی فطحی‌مذهب بودند و نیز عمار ساباطی. معیار وثاقت است، نه فساد مذهب.

مفاد این روایت مانند روایت سابق است. ظاهراً لایجزن یعنی باطل است و ننوشته درلباس طواف یا سعی و نسبت به همه اعمال و مناسک حج اطلاق دارد و از آن حرمت وضعی برداشت می‌شود و حرمت تکلیفی که محل بحث نیست.

۲. حدیث ۶ باب ۵۲ از ابواب وجوب حج در کتاب *وسائل الشیعه*: «وَ فِي عِقَابِ الْأَعْمَالِ بِإِسْنَادٍ تَقَدَّمَ فِي عِيَادَةِ الْمَرِيضِ عَنْ رَسُولِ اللهِ ﷺ أَنَّهُ قَالَ فِي آخِرِ خُطْبَةٍ خَطَبَهَا وَ مَنِ اكْتَسَبَ مَالًا حَرَاماً لَمْ يَقْبَلِ اللهُ مِنْهُ صَدَقَةً وَ لَا عِتْقاً وَ لَا حَجّاً وَ لَا اعْتِمَاراً وَ كَتَبَ اللهُ لَهُ بِعَدَدِ أَجْزَاءِ ذَلِكَ أَوْزَاراً وَ مَا بَقِيَ مِنْهُ بَعْدَ مَوْتِهِ كَانَ زَادَهُ إِلَى النَّارِ».

برخی فقها این حدیث را صحیح السند نمی‌داند خطبه آخر شاید غدیر یا بعد از آن باشد. این که خداوند (أَوْزَاراً) می‌نویسد، ظاهراً فقط حکم تکلیفی نیست، زیرا آن که معلوم است و ظاهراً مراد حکم وضعی و بیان عدم صحت است (مکارم، بحث حج، ۱۳۸۸، ج/۵۱).

۳. حدیث ۹ باب ۵۲ از ابواب وجوب حج: «مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ عِدَّةٍ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ أَبِي أَيُّوبَ عَنْ زُرْعَةَ (یا عن سماعه) قَالَ سَأَلَ أَبَا عَبْدِ اللهِ ﷺ رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ الْجَبَالِ- عَنْ رَجُلٍ أَصَابَ مَالًا مِنْ أَعْمَالِ السُّلْطَانِ فَهُوَ يَصَّدَّقُ مِنْهُ وَ يَصِلُ قَرَابَتَهُ أَوْ يَحُجُّ لِيُغْفَرَ لَهُ مَا اكْتَسَبَ وَ هُوَ يَقُولُ إِنَّ الْحَسَنَاتِ يُذْهِبْنَ السَّيِّئَاتِ قَالَ فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللهِ ﷺ إِنَّ الْخَطِيئَةَ لَا تُكَفِّرُ الْخَطِيئَةَ وَ لَكِنَّ الْحَسَنَةَ تَحُطُّ الْخَطِيئَةَ ثُمَّ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللهِ ﷺ إِنَّ كَانَ خَلَطَ الْحَرَامَ حَلَالًا فَاخْتَلَطَا جَمِيعاً فَلَمْ يَعْرِفِ الْحَرَامَ مِنَ الْحَلَالِ فَلَا بَأْسَ».

الخطیئه نشان می‌دهد که حج این فرد باطل است. ذیل حدیث اشاره به علم اجمالی نیست و اگر هم باشد، همه آن محل ابتلا نیست. بنابراین سه روایت می‌گوید حج با مال حرام باطل است. یک روایت هم داریم که می‌گوید عمل او، یعنی حج با مال حرام صحیح است:

۴. حدیث ۳ باب ۵۲ از ابواب وجوب حج: «قَالَ وَ قَالَ الصَّادِقُ علیه‌السلام لَمَّا حَجَّ مُوسَى علیه‌السلام نَزَلَ عَلَيْهِ جَبْرَئِيلُ علیه‌السلام - فَقَالَ لَهُ مُوسَى علیه‌السلام يَا جَبْرَئِيلُ- مَا لِمَنْ حَجَّ هَذَا الْبَيْتَ بِلَا نِيَّةٍ صَادِقَةٍ وَ لَا نَفَقَةٍ طَيِّبَةٍ فَقَالَ لَا أَدْرِي حَتَّى أَرْجِعَ إِلَى رَبِّي عَزَّ وَ جَلَّ فَلَمَّا رَجَعَ قَالَ اللهُ عَزَّ وَ جَلَّ يَا جَبْرَئِيلُ- مَا قَالَ لَكَ مُوسَى وَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَا قَالَ قَالَ يَا رَبِّ قَالَ لِي مَا لِمَنْ حَجَّ هَذَا الْبَيْتَ- بِلَا نِيَّةٍ صَادِقَةٍ وَ لَا نَفَقَةٍ طَيِّبَةٍ قَالَ اللهُ عَزَّ وَ جَلَّ ارْجِعْ إِلَيْهِ وَ قُلْ لَهُ أَهَبُ لَهُ حَقِّي وَ أُرْضِي عَلَيْهِ خَلْقِي قَالَ يَا جَبْرَئِيلُ مَا لِمَنْ حَجَّ هَذَا الْبَيْتَ- بِنِيَّةٍ صَادِقَةٍ وَ نَفَقَةٍ طَيِّبَةٍ قَالَ فَرَجَعَ إِلَى اللهِ عَزَّ وَ جَلَّ فَأَوْحَى اللهُ تَعَالَى إِلَيْهِ قُلْ لَهُ أَجْعَلُهُ فِي الرَّفِيقِ الْأَعْلَى مَعَ النَّبِيِّينَ وَ الصِّدِّيقِينَ وَ الشُّهَدَاءِ وَ الصَّالِحِينَ وَ حَسُنَ أُولَئِكَ رَفِيقاً».

و از آن حضرت (صلوات الله علیه) منقول است که چون حضرت موسی حج به‌جا آوردند جبرئیل علیه‌السلام آمد و موسی از او پرسید که یا جبرئیل چه ثواب است کسی را که این خانه را حج کند بی‌نیت خالص و بی‌نفقه حلال؟

گفت نمی‌دانم تا آن‌که از پروردگارم بپرسم. پس چون به محل مناجات خود رفت حق سبحانه و تعالی به جبرئیل گفت که ای جبرئیل موسی چه گفت با آن‌که او اعلم بود به آنچه آن حضرت گفته بود جبرئیل گفت: ای پروردگارم! من به من گفت که چیست ثواب کسی که این خانه را حج کند بی‌نیت خالص و بی‌نفقه حلال؟ حق سبحانه و تعالی فرمود که به او بگو که از حق خود در می‌گذرم و خلق را از او خوشنود می‌کنم.

پس گفت یا جبرئیل چیست ثواب کسی که حج این خانه کند به نیت خالص و نفقه حلال؟ پس برگشت و وحی به او رسید که بگو او را جا می‌دهم در جایی که رفیق

او بهترین رفقا باشند با پیغمبران و صدیقان و شهیدان و صالحان و نیکو رفقایند ایشان. منافاتی نیست میان این حدیث و احادیث سابقه که حج بی‌اخلاص به منزله حج نکردن است، زیرا آن اخبار به حسب استحقاق است که مستحق ثواب نیستند و در اینجا از روی تفضل است و کرم (مجلسی، لوامع صاحبقرانی، ۱۴۱۴، ۷ / ۲۰۰).

این حدیث هم مرسله است.

آنجاکه صدوق می‌گوید: قال الصادق، لااقل نزد صدوق سند خوب وصحیح است. البته الزاماً نزد برخی فقهای معاصر چنین نیست، بلکه همچنان به این روایت به‌عنوان یک روایت مرسله نگاه می‌کنند. این روایت نشان می‌دهد که حضرت موسی هم حج به‌جا می‌آورده است. «اهب له حق» اشاره به حق الله دارد و «ارضی علیه خلق» هم اشاره به حق الناس. این روایت هم سند ندارد و هم برخلاف قواعد مسلم است، ولی این‌که مربوط به ادیان سابقه است، چون امام صادق علیه‌السلام نقل کرده است اشکال ندارد.

جمع‌بندی

پس این روایات سبب می‌شود که نسبت به انجام الخطیئه نشان می‌دهد که حج این فرد باطل است. هرچند حضرت امام خمینی رحمه‌الله در فرع اول مسئله ۵ قید نزدند و ظاهراً قول ایشان مطابق قول صاحب *حدائق* است، ولی چون در مسئله ۴۱ قائل به تفصیل شدند، اینجا را هم عطف به آنجا می‌کنید (مکارم شیرازی، خارج فقه، بحث حج، ۱۳۸۸، ۵۱).

۴. حج بامال غصبی

اکثر دانشمندان فقهی درباره حج با مال غصبی می‌نویسد: حج با مال غصب صحیح است ومجزی از حجةالاسلام است اما درادامه به نکته‌ای ا شاره می‌نمایند و آن این است که لباس احرام ولباس طواف ولباس سعی وثمن قربانی باید از حلال باشد.

الف) محقق خوئی دراین مورد می‌نویسد: «الأظهر في السعي و الإحرام الصحّة» دراحرام وسعی اگر لباس ازمال غصبی باشد، حج صحیح است. این فقه معاصر می‌گوید که حضرت امام رحمه‌الله دراین مسئله اشکال نموده؛ بلی، احوط این است که نماز با لباس غصبی صحیح نمی‌باشد، اما اگر قربانی را در ذمه بخرد، در این صورت حج باطل نیست آیت‌الله گلپایگانی رحمه‌الله دراین مورد می‌نویسد: مناط در مجزی نبودن قربانی غصبی بودنش است؛ اما اگر قربانی را با در ذمه خریده باشد، حجش صحیح و مجزی از حجة‌الاسلام است.

ب) مرحوم آقا ضیاء عراقی دراین مورد بر این عقیده است که اگر قربانی درذمه باشد باکی نیست؛ اگرچه بعداً پول همان قربانی را از مال غصبی بدهد (یزدی، العروة الوثقی (المحشی)، ۱۴۱۹، ۴/ ۴۱۵).

محقق خوئی در کتاب معتمد براین باور است: اگر تمام مصارف حج ازحرام باشد حتی آن وسیله به آن سوار می‌شود حجش صحیح ومجزی از حجة‌الاسلام است وبعد درادامه دیدگاهش می‌نویسد: آنچه را صاحب عروه به‌طور مطلق ذکر نموده یک نظریه تام نیست؛ ما دراین مورد ازچهار جهت بحث می‌کنیم.

جهات مختلف بحث ازمنظر محقق خوئی رحمه‌الله

جهت اول آن است که لباس احرام اگر ازمال حرام باشد به حج ضرر نمی‌زند، به خاطر این‌که لباس احرام مستقل دیگر است واحرام با لباس غصب هم صورت می‌پذیرد؛ و لذا اگر یک لباس امانت بگیرد احرام را با انجام دهد صحیح است؛ فاحرامه بالمغصوب کالإحرام عاریا. صاحب عروه در مسئله پنج‌وبیست درکیفیت احرام بیان نموده که پوشیدن لباس شرط در تحقق احرام نیست، بل هو واجب تعبدی أخر.

جهت دوم: آن است که لباس طواف نباید از مال غصب باشد؛ اگر ازمال غصبی

باشد، حجش صحیح نیست؛ دلیلش آن است که ستر در طواف معتبر است و حال طواف حال نماز است در اعتبارش به ثوب ساتر.

جهت سوم: آن است که در سعی ستر لباس معتبر نیست، می‌توان سعی را عریان انجام داد و این عریان انجام دادن عمل سعی ضرر به عمل سعی نمی‌زند، حتی اگر لباسش از مال غصبی باشد برخی گفته‌اند که هنگام که لباس غصبی را پوشیده سعی انجام می‌دهد و حرکت می‌کند و این حرکت ملازم است با تصرف در لباس غصبی نظیر «ما قیل في لباس المصلي غير الساتر إذا كان مغصوبا. و لكن قد ذكرنا هناك ان هذا النوع من التصرف لا يضر بصحة الصلاة و كذا بصحة السعي، لأن الصادر من المكلف فعلان مستقلان أحدهما مقارن للآخر وجودا و خارجا و لا اتحاد بينهما، فلا مانع من ان يكون أحدهما مصداقا للواجب و الآخر محرما».

جهت چهارم می‌نویسد که ثمن قربانی اگر از عین مال مغصوب باشد که با آن مال مغصوب قربانی را خریده باشد، در این صورت بیع باطل است و قربانی داخل در ملک مشتری نشده، ولی اگر قربانی را در ذمه خریده باشد و معامله را بر کلی ثمن انجام داده باشد، چنانچه این‌گونه قانون در معاملات شایع است. «و لكن في مقام الأداء ادى الثمن من الحرام، صح هديه و حجه و اجزء و ان بقي مشغول الذمة بالثمن». (خوئی، معتمد العروة الوثقی، ۱۴۱۶، ۲۰۹/۱)

۵. دیدگاه فقها در مورد حج با مال مشتبه

یکی از مسائل مهم در میان فقها حج با مال مشتبه است.

الف) صاحب *عروه الوثقی* درباره حج با مال مشتبه نظرش این است که مال مشتبه مثل جوایز ظلمه می‌ماند؛ «كجوائز الظلمة مع عدم العلم بحرمتها» (عروه الوثقی محشی، همان). حج با مال مشتبه جایز است؛ مانند اموال که از جایزه‌هایی که از طرف افراد ظالم به انسان تعلق می‌گیرد، این جواز در صورتی است که علم به حرام

بودنش نداشته باشد؛ یعنی اگر بداند این مال که از طرف افراد ظالم و جائر به انسان رسیده از مال حرام است، حج با آن جایز نیست.

ب) مرحوم حکیم درکتاب مستمسک برای حج با مال مشتبه به دوروایت که آمده استدلال نموده است.

اولین حدیث روایت ابی‌همام است که از امام رضا ﷺ روایت شده: «أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ أَبِي هَمَّامٍ قَالَ قُلْتُ لِلرِّضَا سَنَةً أُعْطِيَ الْمَالَ مِنْ نَاحِيَةِ السُّلْطَانِ قَالَ لَا بَأْسَ عَلَيْكُمْ» (مجلسی، مرآة العقول في شرح أخبارآل الرسول، ۱۴۰۴، ۱۶۸/۱۷) که دراین روایت جوایز رسیده ازمال سلطان را در حج جایز دانسته، ولی درباره عدم علم به حرمت مال به روایت صحیح مسلم استدلال نموده است.

روایت صحیح محمد بن مسلم ومنهال قصاب است في صحیح محمد بن مسلم ومنهال القصاب جمیعاً: «من أصاب مالًا من غلول، أو ربا، أو خیانة، أو سرقة لم یقبل منه» این روایت عدم قبولی حج با مال مشتبه را می‌رساند، ولی از مجزی بودن حج سخن به میان نیامده است (حکیم، مستمسک العروة الوثقی، ۱۴۱۶، ۱۳۰/۱۱).

ج) مرحوم سید عبدالاعلی سبزواری درباره حج با مال شبهه می‌نویسد: اگرعلم به حرمت مال مشتبه داشته باشد، حج با این مال حرام است، به دلیل اطلاق روایت دومین دلیل اصل برائت است که اصل حرمت حج با مال حرام است واجماعی که ایشان ادعا نموده است (سبزواری، مهذب الأحکام، بی‌تا، ۳۰۴/۱۲).

اکثرفقها درباره حج با مال مشتبه دیدگاه مشترک دارند واستدلالی که دراین مورد آورده‌اند به روایت ابی‌همام وروایت وصحیحه منهال قصاب نموده است.

د) دیدگاه آیت‌الله سیدحسن قمی

ایشان برای حج با مال مشتبه به روایات متعد د استدلال نموده است. اولین روایت صحیحه همام است که شخصی از حضرت رضا ﷺ سؤال می‌کند که دین بر

ذمه دارد حج انجام دهد یا دین را بپردازد؟ حضرت فرمود مقداری را دینت را پرداخت کنید و مقدار دیگرش را حج انجام بدهید.

۱. «صحيحة أبي همام قال: قلت للرضا ﷺ: الرجل يكون عليه الدين و يحضره الشيء أ يقضي دينه أو يحج؟ قال: يقضي ببعض و يحج ببعض. قلت: فإنه لا يكون بقدر نفقة الحج، قال: يقضي سنة و يحج سنة. قلت: أعطى المال من ناحية السلطان. قال: لا بأس عليكم» (وسائل الشيعه، همان، ۸ /۱۰۰).

۲. «و في صحيحة أبي المعزا قال: سأل رجل أبا عبد الله ﷺ و أنا عنده فقال: أصلحك الله أمرّ بالعامل فيجيزني بالدرهم آخذه. قال: نعم. قلت: أحج بها. قال: نعم و (وسائل همان، ۱۲ /۱۰۶) في رواية الصدوق قال: نعم و حج بها».

دراین روایت امام ﷺ صراحتاً فرموده می‌تواند با مشتبه حج انجام دهد:

«و عن أبي المعزا عن محمد بن هشام أو غيره قال: قلت لأبي عبد الله ﷺ: أمر بالعامل فيصلني بالصلة أقبلها؟ قال: نعم. قلت: و أحج منها؟ قال: نعم و حج منها (همان).

دراین روایات تصریح به جواز حج شده از مال که از جانب ظلمه یا سلطان جائر به‌دست این شخص رسیده، اما ظاهر روایات جواز خصوص حج را نمی‌رساند؛ چنان‌که روایت دیگر دراین مورد وجودارد که تنها خصوص جواز حج با مال مشبه از ان فهمیده نمی‌شود. این روایت صحیحه ابی‌ولاد است که می‌فرماید: «قال: قلت لأبي عبد الله ﷺ: ما ترى في رجل يلي أعمال السلطان ليس له مكسب إلا من أعمالهم و أنا أمر به فأنزل عليه فيضيفني و يحسن إليّ و ربما يأمر لي بالدرهم و الكسوة و قد ضاق صدري من ذلك. فقال لي: كل و خذ منه، فلك الحظ المهنى و عليه الوزر» (همان حدیث ۱/).

امام خمینی ﷺ درباره حج با مال مشتبه می‌فرماید: «يجوز الحجّ بالمال المشتبه كجوائز الظلمة مع عدم العلم بحرمتها» (خمینی، العروة الوثقی مع تعالیق الإمام الخمینی، بی‌تا، ۷۷۹).

امام خمینی ﷺ در *تعالیق بر عروه* همان دیدگاه سیدکاظم طبباطبائی یزدی ﷺ را پذیرفته است.

۶. حج با مال غیرمخمس و مزکی

یکی از مباحث مهم که فقها آن را مورد بحث و بررسی قرار داده‌اند حج با مال غیرمخمس و مزکاه است.

سید کاظم طباطبائی یزدی ﷺ می‌نویسد: «بل وكذا إذا كانا ممّا تعلّق به الحقّ من الخمس و الزكاة إلّا أنّه بقي عنده مقدار ما فيه منهما، بناءً على ما هو الأقوى من كونهما في العين على نحو الكلّي في».

الف) بررسی دیدگاه صاحب عروه

نکاتی که از عبارت این فقیه فهمیده می‌شود صور مختلفی دارد:

۱. می‌نویسد: «إذا استقرّ عليه الحجّ وكان عليه خمس أو زكاة أو غيرهما من الحقوق الواجبة وجب عليه أداؤها، ولا يجوز له المشي إلى الحجّ قبلها».

هنگامی که حج بر ذمه کسی مستقر شد (یعنی یک مسلمان مستطیع شد) و بر مال او خمس یا زکات وحقوق واجب دیگر مانند دِین باشد، واجب است تمام این‌ها را بپردازد (یعنی خمس و زکات خود را به مستحقینش برساند و بعد با مال حلال به حج برود) قبل از ادا نمودن این حقوق، نمی‌تواند به حج برود.

۲. «ولو تركها عصى وأمّا حجّه فصحيح إذا كانت الحقوق في ذمّته، لا في عين ماله».

اگر رفت به حج (و مدیون بود به خمس یا به زکات و یا حقوق واجب دیگر) گناه کرده، اما حجش صحیح است (از حجة‌الاسلام مجزی است) درصورتی که حقوق به ذمه باشد که از حج برگشت از مال حلال آن حقوق واجبه را که در ذمه داشت بپردازد، در این صورت حجش صحیح است؛ ولی اگر این حقوق در عین مالش باشد،

حجش صحیح نیست؛ برای مثال قربانی را باید باپول نقدی و شخصی باید خرید نه دربیع در ذمه یعنی این کس که به حج می‌رود وقربانی را ازمال حرام می‌خرد این بیع صحیح نیست، چون مال درملک مشتری نیامده ومشتری صاحب مال نیست؛ در این صورت قربانی باطل است.

۳. حج صحیح است: «وكذا إذا كانت في عين ماله و لكن كان ما يصرفه في مؤنته من المال الّذي لا يكون فيه خمس أو زكاة أو غيرهما». درصوتی‌که حقوق واجبه یا خمس وزکات به عین مالش تعلق گرفته باشد، اما در حج با حلال رفته ومئونه حج از این مال غیرمخمس ومزکی نیست (گرچند ذمه‌اش مدیون به خمس وزکات وحقوق واجبه دیگر می‌باشد).

۴. صاحب *عروه* رحمه‌الله می‌گوید: درپنج مورد باید مال ازحلال باشد؛ در این صورت حج صحیح است، ولی اگر ازمال حرام باشد، حج صحیح نمی‌باشد. وی در کتاب *عروه الوثقی* در مسئله ۷۰ از شرایط استطاعت می‌نویسد: «أو كان ممّا تعلّق به الحقوق، و لكن كان ثوب إحرامه و طوافه و سعيه و ثمن هديه من المال الّذي ليس فيه حقّ».

ب) نقد براین نظریه

برخی فقها می‌گویند: آنچه را سید درعروه ذکرنموده صحیح است، اما ثوب احرام اگراز مال حرام باشد ضرربه حج واحرام نمی‌زند؛ چون پوشیدن لباس احرام واجب مستقل است می‌توان آن را عاریاً انجام داد، ولی جامه ضرربه سعی نمی‌رساند، چون لباس در سعی معتبرنیست، ولی درطواف سترمعتبراست؛ مانند نمازاگرساترمغصوب باشد یا از مال حرام حج وطوافش فاسد می‌شود؛ اگردرهمین مال حرام اکتفاکند؛ یعنی طواف را با همین لباس مغصوب انجام دهد (خوی، موسوعة الإمام الخوئی، ۱۴۱۸، ۱۹۲/۲۶).

۵. اگر درنزد ایشان مقداری غیر از مئونه حج به مقداری ادا خمس وزکات باشد،

صاحب *عروه* معتقد است چون خمس وزکات به عین تعلق می‌گیرد نه به نحو کلی در معین نه بر وجه اشاعه؛ در این‌صورت حج صحیح است (عروه الوثقی، همان، ۲۷۵/۲ ـ ۲۷۶).

ج) نقد نظریه صاحب عروه

خمس وزکات درعین به نحو اشاعه می‌باشد؛ درنتیجه مال مشترک است بین مالک وسادات وفقرا؛ بنابراین اگر این شخص با مال غیرمخمس وغیرمزکی به سفرحج رود، لباس احرام که ازمال خمس وزکات تهیه نموده و خمس وزکاتش را نپرداخته، دراین‌صورت حکم می‌شود به بطلان احرام وطواف وسعی؛ «وثمن قربانی کان طوافه و سعیه فیه نظیر الصلاة في الثوب الغصبي» (شاهرودی، همان، ۱۹۹/۱).

۷. تطبیق دیدگاه فریقین درحرمت حکم حج با مال حرام

بررسی حکم حج با مال حرام به‌صورت تطبیقی ازاین جهت مورد توجه است که نقاط مشترک میان اندیشمندان فریقین درمورد حج با مال حرام بهترشناخته خواهد شد و اگرنقاط افتراق وتفاوت میان آنها بررسی شود دراین‌صورت به پیوند فکری وشناخت بهترافکارفریقین درمورد حج با مال حرام دست خواهیم یافت.

علاوه براین فواید بررسی تطبیقی حج با مال حرام ازدیدگاه فریقین باعث نزدیک شدن افکارعلمای جهان اسلام گردیده که فواید بی‌شماربرآن مترتب است.

دراین طرح مباحثی که مورد بحث وبررسی قرار گرفت حج با مال حرام و مال مشتبه ومال غصبی است. این‌ها محور اصلی این طرح است که فقها فریقین درباره این مباحث ارائه نظر نموده بودند، اما مهم‌ترین نکته این است که اگر شخص مستطیع شد وبا مال حرام یا غصبی ومشتبه به حج برود، آیا این صحیح است که مجزی ازحجةالاسلام می‌باشد؟ وفرق میان صحت وقبول چیست؟

۸. خلاصه دیدگاه فریقین

درمیان علمای اهل‌سنّت سه نظریه درباره حج با مال حرام وجود دارد: مالک و احمد بن حنبل عقیده‌شان براین است که حج با مال حرام مجزی از حجة‌الاسلام نیست، اما نظریه جمهور علمای اهل‌سنّت وحنفی وشافعی وبرخی دیگر ازمالکیه است بر این است که حج با مال حرام مجزی است درصورتی‌که شرایط ذیل را داشته باشد، اول، تا زمان انجام حج وعمره از حرمت مال خبر نداشته باشد، دوم، عالم به حکم حرمت نباشد وبعد از انجام حج متوجه حرمت شود؛ سوم، این است حج با مال حرام مجزی است، ولی قبول نیست. برخی دیگر از فقهای اهل‌سنّت مانند حج با مال ربا وخمرومنفعت حاصل از فروش مواد مخدر را جایز نمی‌دانند، حج با مال غصبی راجایز می‌دانند، اما می‌گویند با این کار گناه کرده است.

علمای امامیه حج با مال حرام را جایز نمی‌دانند، ولی می‌گویند این حج مبطل نیست، درصورتی‌که لباس احرام طواف وسعی وثمن قربانی از مال حلال باشد، عده‌ای می‌گویند که اگر لباس را با ثمن کلی در ذمه خریده باشد وبعد از حج با مال حلال ادا نماید، حجش صحیح است.

حج با مال مشتبه صحیح است، درصورتی‌که علم به حرام بودنش نداشته باشد درباره حج با مال غیرمخمس ومزکی وحقوق واجب دیگر که بر ذمه حاجی هست جایز نیست، باید آنها را ادا نماید. بلی، اگر به حج رفت وحقوق در ذمه بود وبعد از حج با مال حلال پرداخت نماید، حجش صحیح است.

۹. دیدگاه مورد اتفاق

۱. حج با مال حرام ازدیدگاه فریقین جایز نیست.

۲. اگر با مال حرام وغصبی به حج رفت، حجش صحیح مجزی ازحجة‌الاسلام می‌باشد، اما قبول نیست.

۳. حج بامال حرام غصبی غیرمخمس و... از دیدگاه فریقین مورد قبول خداوند نیست.

یکی از دلایلی که فریقین برای عدم قبولی حج با مال حرام به آن استدلال نموده بودند حدیث «مَنْ حَجَّ بِمَالٍ حَرَامٍ فَقَالَ: لَبَّيْكَ اللَّهُمَّ لَبَّيْكَ، فَقَالَ عَزَّوَجَلَّ: لاَ لَبَّيْكَ وَلاَ سَعْدَيْكَ وَحَجُّكَ مَرْدُودٌ عَلَيْكَ» بود که هردو گروه به آن استدلال کرده بود.

منابع

۳۵. ابن‌بابویه، محمد بن علی، (۱۴۰۶ق)، ***ثواب الأعمال و عقاب الأعمال***، چاپ دوم، دار الشریف الرضی للنشر، قم.

۳۶. ــــــــــ، (۱۴۱۳ق)، ***من لا یحضره الفقیه***، چاپ دوم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم.

۱. ابن‌منظور، محمد بن مکرم، (۱۴۱۴ق)، ***لسان العرب***، چاپ سوم، دار صادر ـ بیروت.

۲. احسائی ابن‌ابی جمهور، (۱۴۰۵ق)، ***عوالی اللآلی***، انتشارات سید الشهداء علیه‌السلام، الطبعة أبی عبد المعز محمد علی فرکوس الموقع الرسمی لفضیل سایت رسمی شیخ أبی عبد المعز محمد علی فرکوس، قم.

۳. بجیرمی علی الخطیب، سلیمان بن محمد، (۱۴۱۷)، ***تحفة الحبیب علی شرح الخطیب***، دار الکتب العلمیة، بیروت ـ لبنان.

۴. بستانی، فؤاد افرام، (۱۳۷۵ش)، ***فرهنگ ابجدی***، چاپ دوم، انتشارات اسلامی ـ تهران.

۵. تبریزی، جعفر سبحانی، (۱۴۲۴هـ.ق)، ***الحج في الشریعة الإسلامیة الغراء***، چاپ اول، مؤسسه امام صادق علیه‌السلام، قم ـ ایران.

۶. جزیری، عبدالرحمن دیگران، (۱۴۱۹ق)، ***الفقه علی المذاهب الأربعة و مذهب أهل البیت*** علیهم‌السلام، چاپ اول، دار الثقلین، بیروت ـ لبنان.

۷. خمینی، سید روح‌الله موسوی، (بی‌تا)، ***تحریر الوسیلة***، چاپ اول، مؤسسه مطبوعات دار العلم، قم ـ ایران.

۸. خوانساری، سید احمد بن یوسف، (۱۴۰۵هـ.ق)، ***جامع المدارک في شرح مختصر النافع***، چاپ دوم، مؤسسه اسماعیلیان، قم ـ ایران.

۹. خوئی، سید ابوالقاسم موسوی، (۱۴۱۶ق)، ***معتمد العروة الوثقی***، چاپ دوم، منشورات مدرسة دار العلم ـ لطفی، قم ـ ایران.

۱۰. ــــــــــ، (۱۴۱۸هـ.ق)، ***موسوعة الإمام الخوئی***، چاپ اول، مؤسسة إحیاء آثار الإمام الخوئی رحمه‌الله، قم.

۱۱. زبیدی محمد بن محمد، (۱۴۱۴ق)، ***تاج العروس من جواهرالقاموس***، چاپ علی شیری، بیروت.
۱۲. سبزواری، سید عبد الأعلی، (۱۴۱۳ق) ***مهذّب الأحکام (للسبزواری)***، چاپ چهارم، مؤسسه المنار قم ـ ایران.
۱۳. شاهرودی، سید محمود (۱۴۰۲ق) ***کتاب الحج (للشاهرودی)*** مؤسسه انصاریان، قم ـ ایران، اول.
۱۴. شیخ حسن محمود سایت یوم سابع کام http://www1.youm7.com/story/2014/9/17 .
۱۵. طباطبائی حکیم، سید محسن، (۱۴۱۶ق)، ***مستمسک العروة الوثقی***، اول، مؤسسة دار التفسیر، قم ـ ایران.
۱۶. عفانی، سید حسین عبدالله، (۱۴۱۸ق)، ***الریاض النضره في فضائل الحج والعمره***، [بی جا].
۱۷. قمّی، سید حسن طباطبائی، (۱۴۱۵هـ.ق)، ***کتاب الحج (للقمّی، السید حسن)***، چاپ اول، مطبعة باقری، قم ـ ایران.
۱۸. کرکی، علی بن حسین محقق، (۱۴۰۹ق)، ***رسائل المحقق الکرکی***، چاپ محمد حسون، رساله: ۱۸، رسالة في الحج، قم.
۱۹. اللجنة الدائمة للبحوث العلمية والإفتا عبد الله بن غدیان، الرزاق.
۲۰. مجلسی، محمدتقی بن مقصودعلی، (۱۴۱۶ق)، ***لوامع صاحبقرانی مشهوربه شرح فقیه***، چاپ دوم، مؤسسه اسماعیلیان ـ قم.
۲۱. محقق حلّی جعفر بن حسن، (۱۴۰۹ق)، ***شرائع الاسلام في مسائل الحلال و الحرام***، چاپ صادق شیرازی، تهران.
۲۲. محمد بن إبراهیم بن عبد الله التویجری (۱۴۳۰) ***موسوعة الفقه الإسلامی*** ناشر: بیت الأفکار الدولیة الطبعة: الأولی.
۲۳. المغربی شمس الدین أبو عبد الله محمد بن محمد بن عبد الرحمن الطرابلسی، المعروف بالحطاب الرُّعینی (۱۴۲۳ق) ***مواهب الجلیل لشرح مختصر الخلیل***، ناشر: دار عالم الکتب الطبعة: طبعة خاصة.

۲۴. مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۸۸)، ***تقریرات ارج فقه کتاب حج***، قم.
۲۵. مکتبة القرضاوی في وجوب الحج وشروطه وأرکانه (سایت شیخ یوسف قرضاوی).
۲۶. یزدی، سید محمد کاظم طباطبائی، (۱۴۱۹هـ.ق)، ***العروة الوثقی*** چاپ اول، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم ـ ایران.
۲۷. ــــــــــ، (۱۴۲۲هـ.ق) ***العروة الوثقی مع تعالیق الإمام الخمینی***، چاپ اول، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی ﷺ، تهران ـ ایران.